

تطور تاریخی حکم مجسمه سازی در نگاه فریقین

سید محمدرضا حسینی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۳۰)

چکیده

ساخت مجسمه با انگیزه‌های متفاوت پیشینه‌ای بسیار طولانی و تاریک دارد و در عصر نزول وحی به‌خاطر جو حاکم (بت و بت‌پرستی) ممنوع بود، ولی با رشد و گسترش اسلام در بستر زمان و مکان، دستخوش دگرگونی‌های مهمی شد. از این‌رو فقیهان شیعه و اهل سنت دیدگاه‌های متفاوتی بیان داشتند؛ از جمله حرمت ساخت مجسمه حیوان جاندار که دیدگاه غالب فقهای شیعه و اهل سنت در زمانهای مختلف است. این مقاله بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا دیدگاه حرمت ساخت مجسمه، اختصاص به فقیهان متقدم دارد؟ تا بتوان گفت زمان و مکان نقش مهمی در نگاه فقیهان داشت. یا اینکه فقیهان شیعه و اهل سنت متأخر و معاصر نیز همانند متقدمین به‌خاطر بقای علت، قائل به حرمت آن هستند. بررسی دقیق‌تر تطور تاریخی دیدگاه فقها در خصوص حرمت ساخت مجسمه نشان می‌دهد در میان فقیهان هر مقطع دیدگاه‌های مختلف حرمت و یا جواز ساخت مجسمه وجود دارد و هم‌چنان موضوعی چالشی و بحث‌برانگیز است.

کلیدواژه‌ها: مجسمه، تاریخ، اسلام، حرمت، فریقین.

طرح مسئله

ساخت مجسمه که سابقه‌ای چند هزارساله دارد به مرور زمان تکامل یافته و به هنر که گویای فرهنگ مردم آن زمان بود تبدیل شده است. این هنر اگرچه در مناطقی از شرق و غرب و حتی بین‌النهرین با انگیزه‌های مختلف ساخته می‌شد، ولی در شبه‌جزیره عربستان به فرهنگ

بت و بت پرستی که مورد نفی دین ابراهیم حنیف بود شکل یافت و هنگام ظهور اسلام، غالب مردم آن منطقه در تاریخ خانه بت و بت پرستی زندگی می کردند. از این رو هنر مجسمه سازی در خدمت فرهنگ بت و بت پرستی بود؛ بدین جهت مورد مذمت و نهی شدید دین مبین اسلام قرار گرفت، به نحوی که حتی پس از برچیده شدن بساط بت و بت پرستی از جامعه اسلامی، نگاه منفی به مجسمه سازی، به خاطر پیشینه تاریکش هم چنان ادامه داشت. هنر مجسمه سازی از جمله مواردی است که تمام جوانب آن دقیقاً بررسی نشده و هنوز هم بعد کاربردی آن در جوامع اسلامی بحث برانگیز است. در حالی که مجسمه سازی در روزگار نزول وحی به خاطر بت پرستی حرام بوده است، ولی به مرور زمان به خاطر وجود انگیزه های اسطوره ای و تزیین، احکام آن دستخوش تغییرات و دگرگونی های مهمی شد؛ از این رو با توجه به گستردگی هنر جوامع مختلف در عصر حاضر از یک سو و جایگاه آن در زندگی و فرهنگ مردم عصر ما و هم چنین نقش زمان و مکان از دیگر سو، باید از زوایای مختلف به آن پرداخته شود. بی شک از مجموع پرسشهای مردم، اساتید و دانشجویان رشته های هنرهای تجسمی و نهادهایی که برای زیباسازی شهر از مجسمه استفاده می کنند، اهمیت این موضوع در زندگی روزمره خانواده ها و جامعه روشن است و این سؤال مطرح می شود که آیا از دیدگاه فقیهان شیعه و اهل سنت در خصوص ساخت و نگهداری مجسمه با از بین رفتن فرهنگ بت پرستی از سرزمین جزیره العرب از نیمه قرن دوم به بعد و نبود بت پرستی در برخی از کشورها از جمله ایران، مجسمه سازی هم چنان حرام است؟ اینکه فقیهان شیعه معتقدند باب اجتهاد همواره گشوده است، در این راستاست که به مسایل نوپیدا، پاسخ داده شده و مسایل کهن نیز مورد بازبینی و بازنگری قرار گیرد. پویایی و بالندگی و به روز بودن فقه شیعه و قدرت پاسخ گویی به مسایل مستحدثه در مکتب امام جعفر صادق علیه السلام از اینجا سرچشمه می گیرد.

مفهوم شناسی مجسمه در فقه شیعه

فقیهان شیعه نیز هم چون لغت شناسان، نگاهی متفاوت به مفهوم مجسمه دارند که گویای تفاوت فهم، تفسیر و برداشت آنان از احادیث مرتبط است. ولی در توصیف آنها از مجسمه، هم پوشانی و هم آوایی دیده می شود. فقیهان مجسمه را دارای جسم و در هنگام تأییدن نور به آن، دارای سایه می دانند، یعنی از نظر جسمی و فیزیکی آن را چند بُعدی می پندارند.

محقق کرکی در تعریف مجسمه به توصیف آن می‌پردازد و این‌گونه می‌گوید: «المتبادر من المجسمه: ما یکون لها جسم يحصل له ظل اذا وقع عليه ضوء و لاریب فی تحریم هذا القسم: متبادر از مجسمه آن چیزی است که وقتی نور به آن تابیده شود، برای او سایه به وجود می‌آید» (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ۲۳/۴).

مقدس اردبیلی در توصیف مجسمه چنین می‌نویسد: «تصویر الحيوان ذی الظل بحيث اذا وقع عليه ضوء يحصل له ظل: تصویر حیوان دارای سایه، به طوری که وقتی نور به آن بتابد، سایه به وجود می‌آید» و هم‌چنین: «التصویر الجسم بحيث یکون له ظل: تصویر جسم به - طوری که دارای سایه باشد» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵۴/۸).

فاضل هندی در تعریف می‌گوید: «المعروف كما اللغة ترادف التماثل والتصاویر الصور بمعنی التصاویر: چنانچه در لغت معروف است به معنای واژگان تماثل و تصاویر یکسان است و واژه «صور» به معنای تصاویر است» (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ۱۹۸).

حسینی عاملی درباره مراد از صورت جاندار می‌نویسد: «وقد فهم من هذه العبارات فی الدروس» و «حواشی الكتاب» و «التنقیح» و «ایضاح النافع» و «حاشیه ارشاد» و «الروضه» و «الكفایه»، ان المراد بالصور ذات الارواح و بالمجسمه ذات الظل» (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ۸۳/۸).

سبزواری در تعریف مجسمه می‌گوید: «تصویر الحيوان ذی الظل بحيث اذا اشرق عليه مضيء حصل الظل: تصویر حیوان صاحب سایه، ب طوری که وقتی نور به آن تابیده شود، سایه پدیدار می‌شود» (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۴۲۷/۱).

شهید ثانی ضمن تعریف مجسمه، چنین توصیف می‌کند: «المتبادر من الجسم ما یکون لها ظل اذا وقع عليه ضوء: آنچه از جسم متبادر می‌شود، چیزی است که در هنگام تابیدن نور، دارای سایه باشد» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۲۱۲/۳).

انصاری می‌گوید: «فانّ المثال والتصویر مترادفان علی ما حکاه کاشف اللثام عن اهل اللغة: واژگان مثال و تصویر بنا به نقل کاشف اللثام از واژه شناسان، به یک معناست» (شیخ انصاری، بی تا: ۲۱۳//۲).

ایروانی نیز صورت را اعم از تمثال می‌داند و می‌گوید: «ما اشتمل من الاخبار علی لفظ المثال و التمثال فالظاهر منها هی المجسمه... فكانت الصورة اعم من المثال» (ایروانی، ۱۴۲۱ق، ۱۲۷/۱).

خوبی واژه تمثال را به معنای تصویر و جمع آن را تمثالات دانسته است. ایشان می‌گوید: «فان التماثل جمع تمثال و یجمع علی تمثالات، و علیه، فالسؤال عن التماثل إنّما هو سؤال عن الصور الموجودة هی الخارج: تماثل جمع تمثال است و جمع آن تمثالات. بنابراین پرسش درباره تماثل در واقع پرسش از صورتهای خارجی است» (خوبی، ۱۳۷۲ش، ۲۳۸/۱).

مفهوم‌شناسی مجسمه در فقه اهل سنت

در کتابهای روایی و فقهی عالمان اهل سنت از واژه‌های «تصاویر، تصویر، صور، صوره» استفاده شده، ولی از واژه «تمثال» بسیار کم استفاده شده است و حتی برخی از مفسرین اهل سنت مانند فخررازی (م ۶۰۶ ق) (فخررازی، ۱۳۷۱ش، ۱۸۰/۲۱) و قرطبی (م ۶۷۱ ق) (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۱۱/۱۹۶) و حقی برسوی (م ۱۱۳۷ ق) (حقی برسوی، ۱۴۰۵ ق، ۱۷/۲۹۰) و مراغی (م ۱۳۷۱ ق) (تفسیر مراغی: ۴۳/۱۴) تمثال را به تصویر معنا کردند و واژه تصویر و هم خانواده آن برای مطلق مجسمه و نقاشی موجودات جاندار و بی‌جان به‌کار برده شده است.

از مجموع مطالب پیش‌گفته در مفهوم‌شناسی مجسمه می‌توان چنین نتیجه گرفت که از روایات و کلام فقیهان شیعه و اهل سنت و دانشمندان لغت استفاده می‌شود که هیچ تفاوتی بین دو واژه «صورة» و «تمثال» وجود ندارد، بلکه هر دو به‌طور یکسان به مجسمه و نقاشی موجودات جاندار و بی‌جان اطلاق می‌شود و تنها با استفاده از قرائن می‌توان منظور از آن را دقیقاً فهمید. خلاصه، معیار در صحت اطلاق «تصویر» و «تمثال»، صدق عرفی است و عرف، اطلاق «تصویر» و «تمثال» را بر نقاشی و مجسمه صادق می‌داند.

اگرچه عالمان اهل سنت برای مجسمه و نقاشی جاندار و بی‌جان از واژه تصویر و صورت استفاده کرده‌اند و کمتر واژه تمثال و تماثل را به‌کار گرفتند؛ به این دلیل که هر دو واژه تصویر و تمثال را مترادف و دارای یک معنا می‌دانند. همان‌گونه که برخی از فقیهان شیعه آن دو را مترادف می‌دانند. عالمان اهل سنت، مجسمه را همان بت دانسته‌اند، در حالی که درباره نسبت بین بت و مجسمه باید گفت: نسبت فیما بین مجسمه و بت، عموم و خصوص من‌وجه است. هر بتی مجسمه نیست و هر مجسمه‌ای هم بت نیست. بعضی از مجسمه‌ها، بت هستند و بعضی از بتها مجسمه هستند.

مجسمه‌سازی در گذشته و انگیزه آن

مجسمه‌سازی پیشینه‌ای به درازای خلقت انسان دارد، اگرچه در طول تاریخ با پیدایش انگیزه‌های جدید، دچار فراز و نشیب شده است. با نگاه به تاریخ این حقیقت روشن می‌شود.

۱. عصر حضرت آدم علیه السلام

همان‌گونه که پیشتر بیان شد با استفاده از روایات و احادیث و منابع تاریخی، پیشینه مجسمه‌سازی به زمان خلقت حضرت آدم علیه السلام برمی‌گردد. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «شیطان لعین اول کسی بود که صورتی مانند حضرت آدم علیه السلام ساخت تا مردم را گرفتار شرک و گمراهی سازد و از پرستش خداوند باز دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳/۲۵۳-۲۴۸).

هنگامی که حضرت آدم علیه السلام از دنیا رفت، پسران «شیث بن آدم»، به دیدار پیکر «آدم» در مناره‌ای که نهاده شده بود، می‌رفتند. یکی از فرزندان قابیل، به دیگر پسران قابیل گفت: پسران «شیث» گدازگردد پیکر آدم طوافی می‌کنند و آدم را بدان گرامی می‌دارند و شما را از آن بهره‌ای نیست. پس برای ایشان بُتی تراشید و او نخستین کسی است که بُت تراشیده است.»

۲. عصر حضرت نوح علیه السلام

حضرت نوح علیه السلام در سن چهارصد و هشتاد سالگی به پیامبری مبعوث شد، صدویست سال پیامبر بود و امت خود را به خداپرستی و ترک بت‌پرستی دعوت می‌کرد، اما فایده‌ای نداشت. به فرمان خداوند کشتی ساخت و با یارانش سوار بر کشتی شدند. توفان بزرگی به راه افتاد. بتها را از کوه نود به زمین فرود آورد و جریان آب، آنها را به سرزمین «جده» برد. باد آنها را با خاک پوشاند. «عمرو» بت «وَدَّ»، را از زیر خاک در ساحل دریای «جده» بیروت کشید و به «تهامه» برد و به «عوف» تحویل داد او این بت را به «وادی القری» برد و در «دُومَةُ الْجَنْدَل» پایدار ساخت و مردم آن زمان به پرستش «وَدَّ» پرداختند. برخی معتقدند: «نمرود بن کنعان بن کوش بن حام بن نوح، اول کسی است که بعد از توفان (نوح) تاج بر سرش نهاد، زمین بابل را به تصرف درآورد، عرب و عجم بگرفت و بتخانه بنا کرد، بت‌پرستی می‌کرد، بت زرین و سیمین بساخت، آذر بت گر را بر خزانها و بتان و جهاز ایشان امین گردانید (سراج جوزجانی، ۱۳۶۳ش، ۱/۱۳۸).

۳. عصر حضرت ابراهیم علیه السلام

در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام بت پرستی رونق داشت. مردم شهر برای پرستش بت، وارد بتکده می شدند. با نگاهی به تاریخچه این بتها می توان فهمید که انگیزه مجسمه سازی در آن دوران، پرستش بتها بود و مردم آن دوران، مجسمه را به عنوان خدایان خود قرار داده بودند و آنان را برای پرستش در معابد نگهداری می کردند. در این سه عصر، فضای فکری حاکم در این مناطق بت پرستی بود؛ بدین جهت تلاشهای ضد بت پرستی از سوی پیامبران نیز شدیدتر دیده می شد. حضرت ابراهیم علیه السلام مبارزه ای جدی با بت پرستی داشت. ایشان در فرصتی، پس از ورود بتکده بتها را یکی پس از دیگری در هم شکست. و تبر را بر دوش بت بزرگ قرار داد.

۴. دوران حضرت مسیح علیه السلام

در دوران مسیحیت، که عصر میانه از آن یاد می شود «مسیحیت، نخست هنر را تکیه گاه شرک، بت پرستی و فساد اخلاقی می دانست» (دورانت، ۱۳۶۳ ش، ۱۵۶/۴)، اما وقتی که مسیحیت پیروز شد و برای جای دادن گروههای روبه تزايد، ساخت کلیساهای بزرگ لازم آمد، سنتهای هنری محلی و ملی دوباره سر برآورد. عبادت کنندگان نیاز داشتند مجسمه هایی از حضرت مسیح و مریم داشته باشند تا نیروی تخیلشان برانگیخته شود و تصویرهایی داشته باشند که داستان مصلوب شدن مسیح را برای مردم عامی و بی سواد باز گویند.

۵. عصر مجسمه سازی در غرب و بین النهرین

از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام تا بعد از حضرت عیسی علیه السلام در غرب و بین النهرین، مجسمه سازی با انگیزه های به نمایش گذاشتن اسطوره ها و نمادهای قدرت و هم چنین تزیین کاخها، منازل و حتی معابد، وجود داشت. برخی هم با انگیزه پرستش آن را تهیه و یا می ساختند. البته تعداد این گروهها در طول تاریخ در مصر، بین النهرین (آشور، بابل، عربستان)، یونان، روم، ایران، هند و چین، بسیار کمتر از دو گروه اول بود. که امر مجسمه سازی در این مناطق سابقه طولانی داشت؛ مثلاً مقدمات ساخت مجسمه در مصر، چهارهزار سال قبل از میلاد شکل گرفت (پاکباز، ۱۳۷۸ ش، ۸۸۲) و در میانه هزاره سوم پیش از میلاد ساخت پیکرهای سنگی در بین النهرین به ویژه بابل در صور طبیعی معمول بود (رک: همان، ۷۷۴). ساخت مجسمه

در آشور از هزاروپانصد سال پیش از میلاد آغاز شده است (همان: ۶۷۱). هنر مجسمه‌سازی در یونان به پیش از سده هشتم پیش از میلاد باز می‌گردد (همان، ۹۵۵). مجسمه‌سازی دو قرن پیش از میلاد از یونان به روم رسوخ کرد (همان، ۸۲۵). در همین مناطق گاهی هنر مجسمه‌سازی حتی با انگیزه به‌تصویرکشیدن اسطوره‌ها و تزیین کاخها به افول می‌گرایید. «هیچ هنر یونانی جز معماری در قرن ششم تعالی نیافت، در صورتی که فلسفه و شعر یونانی در همان دوره به بلوغ رسید (دورانت، ۱۳۶۳ ش، ۲/۲۴۴) و در برخی از دوره‌ها و مناطق، مجسمه‌سازی جای خود را به دیگر هنرها مانند معماری، سفالگری و گچ‌بری داد.

۶. عصر ظهور اسلام

هنگام ظهور اسلام، عقاید افسانه‌ای اقوام یونانی و ساسانی که نمونه بارز آن، شرک و بت‌پرستی وجود داشت ولی در دوران اسلامی سنت مجسمه‌سازی ساسانی کنار گذاشته شد (پاکباز، ۱۳۷۸ ش، ۷۶۹) و پیامبر اسلام ﷺ مأموریتی جدی برای مبارزه با این افسانه‌ها و خرافه‌ها به عهده داشت. هنگامی که پیامبر اسلام ﷺ در روز فتح «مکه»، وارد «مسجد الحرام» شد و بتها در بیرامون «کعبه» سرپا بودند، حضرت با گوشه کمان، در چشمها و صورتهای آنان می‌کوبید و می‌فرمود: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» و بگو: «حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است» (اسراء، ۸۱). و سپس از مسجد بیرون بردند و سوزانیدند. حضرت ﷺ هم‌چنین به امام علی ﷺ دستور داد تا برای درهم‌شکستن بتها به مناطق و شهرها عزیمت کند.

در تمام این دوره‌ها، پیامبران هر عصر با مجسمه‌سازی و بت‌پرستی شدیداً مخالفت و مبارزه می‌کردند.

۷. انگیزه مجسمه‌سازی در طول تاریخ

با نگاه به تاریخ می‌توان سه انگیزه را برای ساخت مجسمه بیان کرد که در تمام دوره‌ها و مناطق وجود داشت و در تطور حکم آن تأثیرگذار است. اگرچه مهمترین و بیشترین انگیزه در اعصار و مناطق مختلف در ساخت مجسمه را می‌توان علاقه مردم آن زمان به‌ویژه سلاطین، حاکمان، هنرمندان و معماران، به اسطوره‌ها، نمادهای قدرت، حاکمیت و هنرنمایی و هم‌چنین تزیین کاخها و منازل دانست، ولی در این میان نمی‌توان انگیزه پرستش را انکار کرده و نادیده انگاشت.

۷-۱. ساخت موجوداتی اسطوره‌ای

در مصر بسیاری از مجسمه‌ها سمبل و نماد قدرت و زینت برای مردم بود که گاهی دولتها دستور ساخت آنها را می‌دادند تا دیگران تشویق شوند؛ مانند مجسمه زنی در مصر که گندم آسیاب می‌کند، چنان است که گویی با تمام حواس و عضلات خود به کار اشتغال دارد (دورانت، ۱۳۶۳ش، ۱/۲۲۴) و یا اینکه مجسمه‌های فراعنه را قوی هیکل و نیرومند نمایش می‌دادند. شاهکار آنها، مجسمه ابوالهول است که خصایل شکوه و ابهت یک پادشاه از چهره او نمایان است. اوج هنر مجسمه‌سازی آشور را می‌توان در مجسمه آشوریانی پال دید که قدرت شاهی مقتدر و بی‌رحم در مقابل دشمنانش را در وجود بیننده به شکل کاملاً زنده القا می‌کند.

حجازان نینوا بیشتر مجسمه‌های حیوانات نیرومند می‌ساختند؛ مانند دو مجسمه گاو نر که به عنوان پاسبانی در کنار دروازه خرساباد قرار داشته است (همان، ۱/۳۲۸). مجسمه کورش جوان از خاندان هخامنشی نیز در زمان اردشیر ساخته و نصب گردید. مجسمه‌سازی در این زمان بیشتر به عنوان هنر و نشان دادن قدرت نظامی و حاکمیت شاهان بر زمین به‌کار گرفته می‌شد. مجسمه‌ها و سنگ تراشیهی موجود در تخت جمشید دلیل بر این مطلب است. در مدخل کاخها مجسمه شیر و در داخل خیابانهای کاخ، مجسمه سربازان با لباس رزم را قرار می‌دادند. حتی پیش از میلاد حضرت مسیح ﷺ مجسمه‌سازان یونانی با مفرغ چند مجسمه دسته‌جمعی از میدان نبرد ساختند (همان، ۲/۶۹۵).

۷-۲. انگیزه تزیین کاخها و معابد

بیشتر حکام و پادشاهان جهت تزیین کاخها، راهروها، تالارها و درهای ورودی از مجسمه‌های متناسب با آن مکان استفاده می‌کردند. آنها حتی در این امر با هم رقابت می‌کردند و هریک سعی داشت تا مجسمه زیباتر و باهیب‌تری در کاخ نصب کند و به همین منظور از مجسمه‌سازان نامی جهان استفاده می‌کردند و آنان را به کشورشان فرا می‌خواندند. از مجسمه‌ها و نقاشی‌های دیواری به عنوان قسمتی از تزیین ایوانها، تالار اصلی و نیایشگاه استفاده می‌شود. برخی مدعی هستند که در معابد گاهی به عنوان تزیین، مجسمه‌هایی از خدایان و پهلوانان بشری و جانوران قرار می‌دادند. آشوریان در کنار ساختمانهای عظیم، مجسمه‌های عظیم‌الجثه را قرار می‌دادند که ساختمانهای معابد و کاخها این چنین بودند (همان،

۳۳۰/۱). عصر هلنیستی در یونان، معابد، کاخها، خانه‌ها، خیابانها و باغهای عمومی و خصوصی، پر از مجسمه بود. تمام جوانب زندگی انسانی و بسیاری از جوانب دنیای گیاه و حیوان در مجسمه‌سازی مجسم می‌شد (همان، ۶۹۳/۱). گاهی در معابد مجسمه‌ها را با انگیزه تزئین قرار می‌دادند.

۷-۳. انگیزه پرستش

مردم یونان، خدایان خود را در صورت مجسمه‌های سنگی عبادت می‌کردند (همان، ۳۵۳/۲). برخی بر این باورند که «به عقیده «بروز» ربه النوع «آناهیت» در «سارد»، بابل، دمشق، تخت جمشید، اکباتان و «باکتر» (بلخ)، مورد پرستش بوده است. آناهیتای باختر، پشت سکه‌ای از یکی از پادشاهان یونان و باختری، به نام «دمتربوس» (آغاز قرن دوم پیش از میلاد) نقش بسته شده است. نقش «آناهیتا» در دوران هخامنشیها پرستیده می‌شد. در ارمنستان نیز «آناهیت» مورد پرستش بود و در تاریخ یونان قدیمی از معبدهایی صحبت کرده‌اند که در آنجا سه عبادتگاه به نام سه رب النوع در کنار هم بود (همان، ۲۲۹/۲).

پس از ظهور اسلام، هر قدر که از صدر اسلام و فضای بت پرستی عصر جاهلیت، دور شده و فاصله ایجاد می‌شد، به همان اندازه انگیزه بت پرستی نیز کم‌رنگتر و کم‌فروغتر می‌گشت و در حکم حرمت و یا جواز ساخت، خرید و فروش و نگهداری آن دخالت داشت. بدین جهت هدف و انگیزه از آفریدن مجسمه در دوران معاصر تنها این است که احساساتی را که هنرمند می‌خواهد با دیگران در میان بگذارد، قابل رؤیت کند. بدین جهت فقیهان اسلام نیز در خصوص ساخت مجسمه ناظر به انگیزه‌ها در ادوار مختلف، دیدگاههای مختلف داشتند.

ساخت مجسمه از دیدگاه فقیهان شیعه

حال با توجه به اینکه در تمام زمانها بت پرستی وجود داشت، مجسمه اشیاء مختلف و به شکلهای، قالبها و اندازه‌های مختلف و با ابزار و مواد متفاوت ساخته می‌شد؛ خواه بیکر موجود جاندار مانند حیوانات باشد، خواه بی‌جان مانند درخت، ستون، وسیله نقلیه و...؛ که در لغت

با واژه‌های «صورت» و «تمثال» مشخص شده است. اینها هر یک احکام خاص خود را دارد.

بعضی از فقیهان شیعه آراء فقهای قبل از خود در خصوص صورت و تمثال اعم از مجسمه و نقاشی، جاندار و یا بی‌جان و نسبت بین آنها را بر چهار دسته تقسیم کرده و قائلین به آن را نیز در کتابهای خود معرفی کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ۲۱۲/۳؛ نراقی، ۱۴۱۵ ق، ۱۰۶/۱۴؛ بحرانی، بی‌تا، ۹۸/۱۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳ ق، ۱۰۲/۱؛ خمینی، ۱۳۷۴ ش، ۲۵۵/۱؛ خویی، ۱۳۷۲ ش، ۲۲۱/۱؛ سبحانی، ۱۴۱۰ ق، ۳۲۹).

ولی برخی دیگر از فضلاء معاصر، نظریات فقها در موارد یادشده را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند (اعرافی، ۱۳۹۰ ش، ۲۹). اما در این مجال به دلیل اینکه بحث منحصر به حکم مجسمه ذی‌روح است، به بیان سه دیدگاه فقیهان در خصوص حکم مجسمه ذی‌روح پرداخته و قائلین آن نیز معرفی خواهد شد.

دیدگاه اول: حرمت ساخت مجسم به‌طور مطلق؛ چه مجسمه موجود جاندار باشد یا بی‌جان (مفید، ۱۳۷۶ ش، ۵۸۵؛ حلبی، ۱۴۰۳ ق، ۱۴/۵؛ طوسی، ۱۴۰۰ ق، ۳۶۳؛ حلبی، بی‌تا، ۴۶۹/۲).

دیدگاه دوم: جواز ساخت مجسمه به‌طور مطلق؛ چه مجسمه موجود جاندار باشد یا بی‌جان. این نظریه در مقابل نظریه اول است، که قدمای اصحاب، طوسی در تفسیر تبیان و طبرسی در تفسیر مجمع البیان، صریحاً برگزیده‌اند (منتظری، ۱۴۱۷ ق، ۵۴۸/۲ و ۵۵۷؛ ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ ق، ۵۸/۱؛ طبرسی، بی‌تا، ۱۰۹/۱). یکی دیگر از فقیهان معاصر با استفاده از عدم اطلاق و اجرای اصل برائت بر جواز ساخت مجسمه حکم می‌کند (ایروانی، ۱۴۲۱ ق، ۱۲۶/۱-۱۳۰).

دیدگاه سوم: این گروه قائل به تفصیل بین ذی‌روح و غیر ذی‌روح است و معتقد به حرمت ساخت مجسمه موجود جاندار و جواز ساخت مجسمه موجود غیرجاندار است (حلبی، ۱۴۲۲ ق، ۱۶۱/۱؛ حلبی، بی‌تا، ۱۲۰/۱؛ نراقی، ۱۴۱۵ ق، ۱۰۸/۱۴؛ اصفهانی، ۱۳۹۷ ق، ۱۹۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳ ق، ۱۷/۱؛ خویی، ۱۳۷۲ ش، ۲۲۴/۱). این نظریه بسیاری از فقهاست.

۱. حرمت ساخت مجسمه در نگاه فقیهان شیعه

پیش از این به چند دیدگاه متفاوت فقیهان شیعه پیرامون حکم ساخت مجسمه اشاره شد، حال با نگاه تطور تاریخی به احکام فقهای متقدمان، متأخران و معاصران، پرداخته خواهد شد. البته پیش از آن باید به دو نکته توجه داشت:

یکم: مراد از مجسمه موجود جاندار، مجسمه حیوان دارای ابعاد و حجم است که با اختلاف در شکل، قالب و اندازه ساخته می‌شود.

دوم: مراد از متقدمین، به فقهای قرن چهارم و پنجم و مراد از متأخرین، فقهای قرنهای بعد تا معاصر و مراد از معاصرین، فقهای صد سال اخیر است (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق).

پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام بنیان‌گذاران فقه بودند و پس از ایشان، پیشوایان دین و فقیهان به‌عنوان نواب عام ادامه دادند. فقه از آغاز پیدایش خود تا به امروز، پیشرفتهای فراوانی داشته و دوره‌های متعددی را پشت سر نهاده است.

۱-۱. دیدگاه فقهای متقدم

پیش از قرن پنجم به غیر از روایات، حکم و فتوایی دال بر حرمت ساخت مجسمه از سوی فقیهان شیعه وجود ندارد؛ یا فقیهان قرنهای پیشین حکمی نداده‌اند و یا اینکه به دست ما نرسیده است. به هر حال چنین حکمی از آنان موجود نیست. بدین جهت می‌توان گفت: فقیهان از قرن پنجم به بعد، حکم به حرمت ساخت مجسمه داده‌اند؛ مانند: مفید (م ۴۱۳ ق): ایشان نخستین فقیه در قرن پنجم است که ساخت مجسمه، بت و صلیب را حرام می‌داند و در این باره می‌گوید: «و عمل الاصنام والصلبان و التماثل المجسمه... حرام: ساختن بتها، صلیب و تماثل مجسمه حرام است» (مفید، ۱۳۷۶ش، ۵۸۷).

حلبی (م ۴۴۷ ق): ایشان نیز از فقیهان قرن پنجم است و بعد از مفید، ساخت صلیب، بت و مجسمه را حرام می‌پندارد و چنین می‌گوید: «یحرم عمل الصلبان و الاصنام و التماثل: ساخت صلیب و بت‌ها و مجسمه‌ها حرام است» (حلبی، ۱۴۰۳ق، ۲۸۱).

طوسی (م ۴۶۰ ق) نیز مانند مفید و برخی از فقیهان پیش از خود، ساخت بت، صلیب و مجسمه را حرام می‌داند و در این خصوص می‌گوید: «و عمل الاصنام و الصلبان و التماثل و المجسمه و الصور... حرام: ساختن بتها و صلیب و تماثل و مجسمه و صورت حرام است» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ۳۶۳)؛ البته وی در کتاب تفسیری التبیان خود در خصوص چگونگی

حکم ساخت مجسمه ذیل آیه «ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» آن‌گاه در غیاب وی، شما گوساله را [به پرستش] گرفتید، در حالی که ستمکار بودید» (بقره، ۵۱)، از حکم حرمت تنزل می‌کند و آن را مکروه می‌شمارد: «لَأَنَّ فِعْلَ ذَلِكَ لَيْسَ بِمَحْظُورٍ وَأَمَّا هُوَ مَكْرُوهٌ: ساخت مجسمه گوساله ستمگری نیست، زیرا ساخت مجسمه حرام نیست، بلکه مکروه است» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۸۵/۱). اگر گفته شود که طوسی در کتاب تفسیری خود در مقام بیان احکام نیست و تفسیر قرآن، مقام فقهی نیست، مطلب درست و صحیحی نیست؛ زیرا نظریه قابل تفکیک نیست حتی اگر در کتاب دیگر غیرمرتبط باشد، بنابراین اگر فقهی دیدگاه فقهی خود را در کتاب تفسیر قرآن خود بیان کند کاملاً معتبر است، البته ملاک آخرین نظریه فقیه است. در هر کتاب و در هر موضوعی که باشد. جوادی آملی از این نوع نگاه تأسف می‌خورد و می‌گوید: متأسفانه یکی از علل محجوریت قرآن این است که آن را فقهی نمی‌دانند و متأسفانه کتب تفسیری را هم فقهی نمی‌دانند. از بیان ایشان روشن می‌شود که اگر مفسر به بیان دیدگاه فقهی خود در کتاب تفسیری بپردازد، آگاهانه بوده، نه اینکه قصد بیان مسئله فقهی نداشته، بلکه سرنوشت بحث او را به اینجا کشانده است و لذا به عنوان نظریه فقهی کاملاً از او پذیرفته خواهد بود.

سلار دیلمی (م ۴۶۳ ق) بعد از سه فقیه، چنین اظهار می‌دارد: «و اما المحرم... عمل الاصنام و الصلبان، و کل آیه تظن الکافر انها آله عباده لهم، و التماثل المجسمه...» (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۰).

ابن‌براج (م ۴۸۱ ق): وی نیز صورتگری مجسمه و غیر مجسمه را حرام می‌داند: «تحرم التماثل المجسمه و غیر المجسمه: ساخت تماثل به صورت مجسمه و غیر مجسمه حرام است» (ابن‌براج، ۱۴۰۶ق، ۳۴۴/۱).

ابن‌ادریس حلی (م ۵۹۸ ق) که از فقیهان قرن ششم است نیز، ساخت و صورتگری موجود جاندار، چه به شکل مجسمه یا غیر مجسمه را حرام می‌داند و در این باره می‌گوید: «و سایر التماثل و الصور ذوات الارواح مجسمه کانت او غیر مجسمه: همه اقسام تماثل دارای روح، چه مجسمه باشد و یا غیر مجسمه، حرام است» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۲/۲۱۵).

بیهقی کیدری (م ۶۱۰ ق) نیز ساخت مجسمه حیوان را حرام می‌داند (بیهقی کیدری، ۱۳۷۴ش، ۲۴۶).

سه نکته قابل توجه در سخن فقیهان متقدم وجود دارد که با سخن فقیهان متأخر و معاصر متفاوت است:

یکم: مجسمه را در کنار صلیب و صنم دیدند و حکم حرمت ساخت، بر آنها صادر کردند؛ دوم: اکثر فقیهان این دوره به غیر از مفید و سلار و فاضل آبی - شاگرد محقق ثانی - قائل به حرمت ساخت مطلق تمثال بودند؛ سوم: فقیهان این عصر در فتوای خود به هیچ یک از آیات، روایات، اجماع و عقل استناد و استشهاد نکردند.

۱-۲. دیدگاه فقهایی متأخر

در دوره متأخر یعنی از قرن هفتم، اگر چه فضای بت پرستی از بین رفته است، ولی فقیهانی از این قرن هم چون فقیهان متقدم، حکم به حرمت ساخت مجسمه داده اند؛ مانند:

محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) ضمن بیان اقسام مجسمه، ساخت مجسمه موجود جاندار را حرام می داند و در این خصوص چنین می گوید: «فتکون الاقسام اربعة، احدها محرم اجماعاً و هو عمل الصور المجسمة لذوات الارواح و باقی الاقسام مختلف فیها: یکی از اقسام چهارگانه مجسمه سازی به دلیل اجماع حرام است، که همان ساخت مجسمه جانداران باشد و سایر موارد آن، مورد اختلاف نظر فقها است» (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ۱۶/۴ و ۲۳).

شهید ثانی (م ۹۶۵ ق) بعد از بیان حدیثی می فرماید: «و هذا يدل باطلاقه علی تحریم تصویر ذوات الارواح مطلقاً و لا دلیل علی تحریم غیرها و هذا هو الاقوی: این حدیث با اطلاقش دلالت بر حرمت صورتگری موجودات جاندار می کند، چه مجسمه باشد و یا غیر آن، و دلیلی بر حرمت موجودات بی روح ندارد، چه مجسمه باشد و یا غیر مجسمه» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ۱/۱۶۵). ایشان در کتاب «الروضه البهیة» می فرماید: «و یحرم عمل صور المجسمة ذوات الارواح: ساختن مجسمه دارای روح حرام است» (همان، ۲۱۲/۳).

مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ ق) می گوید: «تصویر الحيوان ذی الظل بحيث اذا وقع علیه ضوء يحصل له ظلّ و هو محرم بالاجماع: ساخت مجسمه دارای سایه، به نحوی که هنگامی که نور بر او می تابد سایه برایش به وجود آید، به دلیل اجماع، حرام است» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، ۵۴/۸).

بحرانی (م ۱۸۶ق) درباره حرمت ساخت مجسمه در بین اصحاب چنین می‌گوید: «لا خلاف بین الاصحاب فی تحریم التماثل فی الجملة» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۸۱/۹۷). ایشان سپس دیدگاههای فقیهان در خصوص مجسمه‌سازی را بر چهار دسته تقسیم می‌کند، قائلان آن را نیز معرفی می‌کند و به بیان احادیث و روایات مربوط به آن می‌پردازد و در پایان می‌گوید: «اقول: ظاهر هذه الاخبار بعد حمل مطلقها علی مقیدها هو تخصيص التحريم بتصوير صورة ذوی الروح، اعم من ام يكون مجسمه او منقوشة علی الجدار و شبهه: ظاهر این روایات بعد از این که مطلقهایش را بر مقیدهایش حمل کردیم، این است که حرمت صورتگری به صورت جانداران اختصاص دارد؛ اعم از اینکه مجسمه باشد یا نقش بر دیوار و مشابه آن باشد».

طباطبایی (م ۱۲۳۱ق) در خصوص حرمت ساخت مجسمه جاندار می‌گوید: «ذوات الارواح اجماعاً فی الظاهر و صرح به بعض الاجلّه و هو الحجّة: از ظاهر و یا صریح کلمات برخی از أجلة استفاده می‌شود که ساخت مجسمه جاندار حرام است، اجماعاً و این نظریه حجت است» (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ۵۰۱/۱).

نراقی (م ۱۲۴۵ق) ضمن بیان اقسام صورت در خصوص حرمت ساخت مجسمه جاندار می‌گوید: «صورة ذی روح حرام مطلقاً بلا خلاف اجده: قسم اول که همان صورت دارای روح باشد، حرام است، چه مجسمه باشد یا غیر مجسمه. مخالفی هم در این مورد مشاهده نکردم» (نراقی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۶/۱۴).

نجفی (م ۱۲۶۶ق)، نویسنده کتاب «جواهر الکلام» هم از جمله فقیهانی است که ساخت مجسمه موجود جاندار را حرام می‌داند و در این خصوص می‌گوید: «ما هو محرم فی نفسه كعمل الصور المجسمة لذوات الارواح: از جمله مواردی که فی نفسه حرام است، ساخت مجسمه جانداران است» (نجفی، بی تا، ۴۱/۲۲).

انصاری (م ۱۲۸۱ق) نیز قائل به حرمت ساخت مجسمه موجود جاندار است و در این باره می‌گوید: «تصویر صور ذوات الارواح حرام اذا كانت الصورة مجسمة بلا خلاف فتوی و نصاً: ساخت صورتهای موجودات جاندار در صورتی که مجسمه باشد حرام است و هیچ اختلافی در بین فقها از نظر فتوا و روایات در این باره وجود ندارد» (انصاری، بی تا، ۲۱۳/۲). حرمت ساخت مجسمه جاندار آن‌چنان برای انصاری واضح و روشن بود که ایشان اصلاً نیازی به استدلال و استفاده از روایات و نظریه فقیهان ندیده است.

در سخن فقیهان متأخر در باره مسئله ساخت مجسمه سه ویژگی وجود دارد که سخن ایشان را با سخن فقیهان متقدم متفاوت می‌سازد:

یکم: از عصر محقق حلی (م ۶۷۶ ق) به بعد، اکثر فقهای متأخر تنها قائل به حرمت ساخت مجسمه بودند. نه مطلق تمثال؛

دوم: از محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) به بعد، فقیهان متأخر برای اثبات حرمت ساخت مجسمه به اجماع و یا مرتبه نازله آن یعنی «بلاخلاف» و «لا اعلم فيه مخالفاً» و مشابه آن، استناد می‌کنند؛

سوم: با نگاه به فتاوی فقیهان متأخر کاملاً هویداست که در عصر متأخرین قائلین به جواز ساخت مجسمه نسبت به دوره قبل، یعنی متقدمین افزایش نسبی پیدا کردند.

۱-۳. دیدگاه فقهای معاصر

در این دوره نیز علی‌رغم این که فضای بت‌پرستی از میان برچیده شده بود، اما فقیهان معاصر هم چون فقیهانی از متأخرین و متقدمین، حکم به حرمت ساخت مجسمه داده‌اند، مانند:

طباطبایی یزدی (م ۱۳۳۷ ق) از فقیهان قرن چهاردهم که دوران معاصر است نیز در یک جمع‌بندی می‌گوید: «محصل الکلام فی المقام ان الصورة اما مجسمة او غیر مجسمة و علی التقدیرین المصور اما ذور روح او غیره و الحق حرمة تصویر ذی الروح مطلقاً مجسماً او غیره: حاصل سخن این است که صورت یا مجسمه است یا غیر مجسمه و به هر حال، باز آن چیزی که دارای صورت ایت، یا جاندار است یا بی‌جان و حق آن است که تصویر جاندار مطلقاً حرام است، چه به طور مجسمه باشد یا غیر مجسمه» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳ ق، ۱/۱۰۲). بسیاری از فقیهان پس از او نیز حکم به حرمت ساخت مجسمه جاندار داده‌اند، مانند:

خوانساری (م ۱۴۰۵ ق) قائل به حرمت ساخت مجسمه موجود جاندار است و اظهار می‌دارد: «اما تصویر الصورة اذا كانت مجسمة فلا خلاف و لا اشکال فی حرمتها اذا كانت الصورة ذوات الارواح: اما تصویر اگر به صورت مجسمه جاندار باشد در حرمتش هیچ اختلاف و اشکالی وجود ندارد» (خوانساری، ۱۳۵۵ ش، ۱۴/۳). ایشان خیلی محکم حکم به حرمت ساخت مجسمه می‌دهد و مدعی عدم مخالف و عدم اشکال در چنین حکمی است.

ایروانی (م ۱۳۵۴ ق) درباره چگونگی حکم مجسمه جاندار می‌گوید: «الاقوی عدم الحرمة مع عدم التجسم، فيعتبر في الحرام امران: التجسم في الصورة، و الروح في ذی الصورة و لو روحاً و همياً؛ اقوی عدم حرمت صورت که مجسمه نیست می‌باشد. در حرمت دو چیز معتبر است: یکی مجسمه‌بودن صورت؛ دیگری صورت جاندار» (ایروانی، ۱۴۲۱ ق، ۱/۱۲۶).

خمینی (م ۱۴۰۹ ش) (که از فقیهان قرن پانزدهم است) نیز قائل به حرمت ساخت مجسمه جاندار است و در این درباره می‌فرماید: «و الحاصل ان الظاهر من تلك الطائفة هو حرمة عمل المجسمة من ذی الروح، لا غیره» (خمینی، ۱۳۷۴ ش، ۱/۲۶۲). از ظاهر عبارت این گروه و هم‌چنین از روایات استفاده می‌شود که تنها ساختن مجسمه موجودات جاندار حرام است، نه موارد دیگر از صورتهای مجسمه که قبلاً بیان شد؛ زیرا دلایل اثبات حرمت آنها ناکافی است. ایشان هم‌چنین در کتاب «تحریر الوسیله» فرمود: «ساختن مجسمه جانداران - مثل انسان و حیوان از آن قبیل که معمول است از سنگ و فلزات و چوب و مانند اینها - حرام است ولی اگر مجسمه نباشد، کشیدن عکس آنها حرام نیست، اگر چه احتیاط در ترک است» (خمینی، بی‌تا، ۱/۴۶۸).

خویی (م ۱۴۱۳ ق) ادعا کرده است که در حرمت صورتگری بین شیعه و سنی اختلافی نیست: «لا خلاف بین الشیعه و السنة فی حرمة التصوير فی الجملة: فی الجملة در حرمت تصویر، بین شیعه و اهل سنت اختلافی نیست» (خویی، ۱۳۷۲ ش، ۱/۲۲۰).

سبزواری (م ۱۴۱۴ ق) درباره تحریم مجسمه‌سازی جانداران می‌گوید: «یحرم تصویر ذوات الارواح مع کون الصور مجسمة من الخشب او المعدن او نحوهما، بل غیر مجسمة ایضاً: تصویر جاندار در صورتی که مجسمه چوبی یا از جنس معدن و مشابه آن باشد حرام است و بلکه تصویر جاندار غیر مجسمه نیز حرام است» (سبزواری، ۱۴۱۷ ق، ۱۶/۸۱). سبزواری برای اثبات حرمت، ضمن بیان اجماع، به نصوص نیز استشهد می‌کند و در مقام اثبات حرمت ساخت چیزهایی غیر از مجسمه نیز ضمن معرفی قائلان هم‌چون حلی، شهید ثانی، محقق سبزواری، نجفی و انصاری، احادیث مربوط به این باب را نیز برمی‌شمارد و برای اثبات قول خود به آنها تمسک می‌کند.

در گفتار فقیهان معاصر درباره ساخت مجسمه سه ویژگی دیده می‌شود که نشان‌دهنده نقش زمان و مکان در فتوای فقیهان است:

یکم: اکثر فقیهان قائل به حرمت ساخت مجسمه در این عصر، تنها قائل به حرمت ساخت مجسمه جاندار بودند؛

دوم: فقیهان معاصر برای اثبات حرمت ساخت مجسمه تنها به روایت و اجماع و «بلاخلاف» و مشابه آن، استناد می‌کنند؛

سوم: در عصر معاصرین قایلین به جواز ساخت مجسمه نسبت به دو عصر قبل، یعنی متقدمین و متأخرین افزایش بیشتری پیدا کرده است.

۲. دلیل فقیهان شیعه بر حرمت ساخت مجسمه جاندار

با نگاه به کتب و آراء فقیهان می‌توان گفت: هیچ یک از فقیهان به آیات و عقل برای اثبات حرمت ساخت مجسمه، تمسک نکرده‌اند. تنها روایات و اجماع، «بلاخلاف» دلیل قائلان به حرمت ساخت مجسمه است و آن هم در ادوار فقهی شیعه متفاوت است. البته این تفاوت در ادوار فقه اهل سنت نیز دیده می‌شود.

۲-۱. روایات دلیل حرمت مجسمه

فقیهان از عصر حلی (م ۷۲۶ ق) به بعد برای استدلال حرمت مجسمه‌سازی به روایت استناد کردند. لذا حلی نخستین کسی بود که برای استدلال به روایت تمسک کرد. بعضی دیگر از فقها مانند بحرانی (م ۱۱۸۶ ق) (بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ۱۸/۱۰۰) و فخرالمحققین (م ۷۷۱ ق) (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ ق، ۱/۴۰۴) تنها به روایات تمسک کردند.

در این میان برخی از عالمان به هر دو دلیل - اجماع و روایات - استناد کردند، مانند: خمینی. ایشان می‌فرماید: «قدر متیقن، حرمت ساختن مجسمه است که بر حرمت آن ادعای اجماع شده است و افزون بر این، دلیل دیگر روایات است» (خمینی، ۱۳۷۴ ش، ۱/۲۶۸) و سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۷ ق، ۱۶/۸۱). این احتمال وجود دارد که علت عدم استدلال فقیهان شیعه به روایات که در اختیار آنان بود، این است که گروهی به احتیاط استناد می‌کردند و گروهی هم به اجماع استشهد می‌کردند.

و برخی دیگر تنها به اجماع استناد کردند، مانند: طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۲ ق، ۸/۱۵۱) و حسینی عاملی (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ ق، ۴/۴۸) که گویا مهمترین و اولین دلیل را اجماع می‌داند.

۲-۲. اجماع مهمترین دلیل بر حرمت ساخت مجسمه

اجماع که مهمترین دلیل قائلین به حرمت ساخت مجسمه است از قدمت چندانی بر خوردار نیست. محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) نخستین کسی است که در این موضوع ادعای اجماع کرده است و چنین می گوید: «فتکون الاقسام اربعة احدهما محرّم اجماعاً» (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ۲۳/۴). انصاری معتقد است منشأ اجماع محقق کرکی قاعده لطف است (انصاری، ۱۴۲۸ ق، ۱۹۶/۱) و بعد از او مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ ق) مدعی اجماع است. وی می گوید: «و هو محرّم بالاجماع» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، ۵۴/۸). بعد از او با گذشت بیش از دو قرن، حسینی عاملی (م ۱۲۲۶ ق)، می گوید: «الاجماع علی التحريم معلوم» (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ ق، ۴۸/۴). بعد از ایشان، طباطبایی (م ۱۲۳۱ ق)، می گوید: «كعمل صور المجسمه ذوات الارواح اجماعاً فی الظاهر، و صرح به بعض الاجلّة و هو الحجّة» (طباطبایی، ۱۴۱۲ ق، ۴۹۸).

نجفی (م ۱۲۶۶ ق) ضمن ادعای اجماع منقول، ادعای اجماع محصل هم می کند و حتی ادعا دارد که اجماع منقول در حد استفاضه است. او می گوید: «فلا خلاف فی حرمة عملها، بل الاجماع بقسمیه علیه بل المنقول منه مستفیض (نجفی، بی تا، ۴۱/۲۲).

برخی دیگر از فقیهان اگرچه با صراحت، ادعای اجماع نکردند، ولی مرتبه پایینتر آن را بیان کردند که در مفهوم سخنانشان مدعی مرتبه نازله اجماع شدند، مانند: سبزواری (م ۱۰۹۰ ق) می فرماید: «لا اعلم فیهِ مخالفاً» (سبزواری، ۱۴۲۳ ق، ۸۵). انصاری نیز می فرماید: «تصویر صور ذوات الارواح حرام اذا كانت الصورة مجسمة بلا خلاف فتوی و نصاً» (انصاری، بی تا، ۲۱۳/۲).

بحرانی (م ۱۱۸۶ ق) درباره اجماع در حرمت ساخت مجسمه می گوید: «الاولی فی عمل الصور، لا خلاف بین الاصحاب فی تحريم التماثل فی الجملة» (بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ۹۷/۱۸). نراقی (م ۱۲۴۵ ق) که ضمن بیان ادعای اجماع محقق کرکی و مقدس اردبیلی و نفی علم به خلاف سبزواری، از جمله کسانی است که می فرماید: «عمل الصور و هی اقسام... فالاولی حرام عمله مطلقاً بلاخلاف اجده» (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ۱۰۶/۴).

خوانساری (م ۱۴۰۵ ق) نیز می گوید: «اما تصویر الصورة اذا كانت مجسمة فلا خلاف و فلا اشکال فی حرمته اذا كانت الصورة ذوات الارواح» (خوانساری، ۱۳۵۵ ش، ۱۴/۳).

خویی (م ۱۴۱۳ ق) در این خصوص فرمود: «تصویر صور ذوات الارواح حرام اذا كانت الصورة مجسمة بلا خلاف». ایشان هم چنین فرمودند: «قول: لا خلاف بين الشيعة و السنة في حرمة التصوير في الجملة: در بین فقهای شیعه و اهل سنت در حرمت صورتگری اجمالاً خلافی نیست» (خویی، ۱۳۷۲ ش، ۱/۲۲۰).

اما بسیار عجیب به نظر می آید که هیچ یک از فقیهان پیش از محقق کرکی، ادعای «اجماع» و یا «فلاخلاف» و یا «مخالفی در مسئله نمی شناسیم» نکردند و حتی برخی از فقیهان متأخر از محقق کرکی و سایر مدعیان اجماع، اسمی از اجماع به میان نیاوردند، مانند: شهید ثانی (م ۹۶۵ ق) نه در حاشیه شرایع الاسلام (شهید ثانی، ۱۴۲۲ ق، ۳۲۶) و نه در الروضة البهیه (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ۳/۲۱۲) و نه در مسالک الافهام (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ۳/۱۲۶). اما اینکه چرا متقدمین بدون بیان دلیل فتوا بر حرمت مجسمه دادند و یا برخی از فقهای متأخر و برخی از معاصرین، نامی از اجماع نبردند، می توان گفت: متقدمین برای استدلال به احتیاط تمسک می کردند و یا اینکه به روایات استتال می کردند، ولی هنگام نگارش، آن را بیان نمی کردند و بر حرمت مجسمه فتوا می دادند. اما فقیهان متأخر و معاصر یا همانند فقیهان متقدم به احتیاط تمسک می کردند، مانند: مغنیه که منشاء حکم حرمت مجسمه را احتیاط و ترس از افتادن در گردآب بت پرستی می داند و می گوید: «فلا مصدر لفتوی الفقهاء بالتحريم الا الاحتیاط و الخوف من الوقوع فی فحّ الوثنية» (مغنیه، ۱۹۹۳ م، ۹۲۲). یا دست به دامن روایات می شدند و خود را از اجماع بی نیاز می دانستند؛ زیرا اجماع را مدرکی می دانستند، مانند: حائری که آن را مدرکی می داند (حائری، ۱۳۹۶ ش، ۴۸). اینکه از سبزواری به بعد ادعای اجماع نکرده اند و بلکه ادعای «بلا خلاف» و یا «لا خلاف بین الاصحاب» داشتند، به این دلیل است که اجماع مصطلح به مفهوم اتفاق فقها بر حرمت مجسمه حاصل نشده است. در چنین موارد اگر ادعای شهرت بشود به واقع نزدیکتر است و بدین جهت ادعای شهرت بهتر است؛ مانند میرزای قمی که ادعای شهرت کرد (میرزای قمی، ۱۴۱۷ ق، ۳/۳۴۱؛ نجفی، بی تا، ۲۷۰/۸). تبریزی نیز در این باره می گوید: «المنسوب الی المشهور هو الحرمة تصویر ذوات الارواح من الانسان و الحيوان و لكن فی ثبوتها تامل بل منع...» (تبریزی، ۱۳۷۴ ش، ۳۴).

ساخت مجسمه از دیدگاه عالمان اهل سنت

عالمان اهل سنت نیز همانند فقیهان شیعه دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص ساخت مجسمه دارند که در این بخش به تقسیم‌بندی و بیان آن پرداخته می‌شود:

دیدگاه اول: برخی از عالمان اهل سنت معتقدند: تصویرگری حیوان مطلقاً حرام است چه ذی‌روح باشد چه غیر ذی‌روح، چه به صورت مجسمه باشد یا نقاشی. (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ۳۳۶/۱).

دیدگاه دوم: عده‌ای از عالمان نیز ساخت مجسمه را مطلقاً جایز دانستند، چه مجسمه باشد و یا نقاشی و هم‌چنین جاندار باشد و یا بی‌جان (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۲۷۲/۱۴). این قول مقابل قول اول قرار دارد که مطلقاً حرام می‌دانست.

دیدگاه سوم: برخی دیگر تفصیل بین مجسمه و نقاشی قائل شدند و مجسمه دارای سایه را حرام دانسته ولی نقاشی را جایز می‌دانند.

دیدگاه چهارم: تفصیل بین مجسمه جاندار و بی‌جان؛ حرمت ساخت مجسمه جاندار و جواز ساخت مجسمه بی‌جان. (ر.ک: نووی، بی‌تا، ۸۱/۱۴؛ جزیری، ۱۴۱۷ق، ۴۴؛ ابن-حجر عسقلانی، ۱۴۰۲ق، ۱۰۳-۹۷). نووی از فقیهان شافعی‌مذهب و قدمای اهل سنت و بسیاری از عالمان معاصر ایشان نیز بر این قول معتقد و پای‌بند هستند.

۱. حرمت ساخت مجسمه در نگاه عالمان اهل سنت

آراء عالمان اهل سنت پیرامون حرمت ساخت مجسمه مقدم بر فتوای فقیهان شیعه است که بر اساس تقدم پیدایش فتوا چنین ارائه می‌گردد: قاسم بن محمد بن عبدالرحمن بن ابی‌بکر (م ۱۰۶ق) از نخستین علمای اهل سنت است که بر حرمت مجسمه فتوا می‌دهد. نووی، با استشهاد به قول ابن‌عون، آن را به قاسم بن محمد بن عبدالرحمن بن ابی‌بکر - خلیفه اول - (م ۱۰۶ق) نسبت می‌دهد (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۲ق، ۳۲۶/۱۰).

سالم بن عبدالله بن عمر بن خطاب - خلیفه دوم - (م ۱۰۶ق) با استناد به روایت رسول الله ﷺ حکم به حرمت مجسمه داد (ابن‌حنبل، بی‌تا، ۱۴۵/۲).

حنفیه: طرفداران ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) معتقدند: «أما التصوير الحيوان اذا كانت موضوعة في مكان محترم او كانت كاملة الاعضاء فانها لا تحل: علمای پیرو مذهب حنفی در خصوص

ساخت مجسمه می‌گویند: مجسمه حیوان اگر به صورت کامل باشد و یا برای تعظیم و تکریم باشد حلال و جایز نیست» (جزیری، ۱۴۱۷ق، ۴۶-۵۶).

مالک بن انس (م ۱۷۹ ق): حکم مجسمه منشا روایتی از رسول الله دارد: «ان الملائكة لا تدخل بیتاً فیه تماثیل او تصاویر» (مالک بن انس، ۱۴۲۵ق، ۲/۹۶۵).

مالکیه: طرفداران مالک بن انس (م ۱۷۹ ق) معتقدند: «انما یحرم النصبه بشروط اربعة؛ أحدها: ان تكون الصورة لحیوان سواء كان عاقلاً او غیر عاقل؛ ثانيها: ان يكون مجسده سواء كانت مأخوذة من ماده تبقى كالخشب و الحديد؛ ثالثها: ان تكون كاملة الاعضاء؛ رابعها: ان يكون لها ظل: مجسمه سازی با چهار شرط حرام است: اول اینکه صورت حیوان باشد، این حیوان چه عاقل باشد مانند انسان و یا غیر عاقل باشد مانند مثلاً گوسفند؛ دوم دارای جسد و شکل باشد چه از جنس چوب باشد یا آهن؛ سوم اینکه مجسمه کامل باشد و ناقص نباشد؛ چهارم اینکه جسم باشد و دارای سایه باشد».

شافعیه: طرفداران شافعی (م ۲۰۴ق) معتقدند: «اما الحيوان فانه لا يحل تصوير سواء كان عاقلاً او غیر عاقل: عالمان اما مجسمه حیوان جایز نیست چه حیوان عاقل باشد مانند انسان یا غیر عاقل مانند اسب».

حنابله: طرفداران ابن حنبل (م ۲۴۱ق) می‌گویند: «اما تصوير الحيوان فانه لا يحل سواء كان عاقلاً او غیر عاقل: ساخت مجسمه حیوان جایز نیست، چه به صورت حیوان عاقل باشد و یا حیوان غیر عاقل».

زُهری (م ۱۲۴ق) که از عالمان اهل سنت پیش از مذاهب اربعه اهل سنت به‌شمار می‌آید و ابوحنیفه معاصر وی بود، به‌طور مطلق ساخت و نگهداری مجسمه و نقاشی را حرام می‌داند. وی می‌گوید: صورتگری به‌طور مطلق حرام است. هم‌چنین است استفاده از چیزهایی که صورتگری در آنها انجام شده باشد و نیز وارد شدن به خانه‌ای که مجسمه در آنجا نگهداری می‌شود، چه به صورت نقاشی بر روی لباس باشد و یا به صورت مجسمه...

نووی (م ۶۷۶ق) که معروف به شافعی ثانی است، مانند زُهری (م ۱۲۴ق) مطلقاً ساخت و نگهداری مجسمه و نقاشی را حرام می‌داند. وی می‌گوید: «قال اصحابنا و عشیرهم من العلماء تصوير صورة الحيوان حرام شدید التحريم و هو من الکبائر: پیروان مذهب ما (شافعیها) و سایر علما معتقدند: صورتگری صورت حیوان، حرمت شدید دارد و از گناهان کبیره

به شمار می آید و مستحق عذاب شدید است» (نووی، بی تا، ۸۱/۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۲ق، ۳۲۲/۱۰).

مقدسی (م ۶۸۲ق) نیز ساخت مجسمه را حرام می داند وی می گوید: «و صنعہ التصاویر محرمة علی فاعلها: ساخت مجسمه حرام است»، ولی دلیل حرمت را روایت ابن عمر از رسول الله ﷺ می داند. کسانی که مجسمه می سازند در روز قیامت به آنها گفته می شود چیزهایی را که خلق کردید زنده کنید (مقدسی، بی تا، ۱۱۴/۸).

ابن عابدین (م ۱۱۹۸ق) می گوید: «ساخت مجسمه مطلقاً حرام است» (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ۶۹۸/۱).

جزیری (م ۱۳۶۰ق) در مورد حرمت ساخت مجسمه می گوید: «أما القسم الثانی فان فیہ تفصیل المذاهب، علی ان المحرم منه إنما حرم فی نظر الشرع اذا كان لغرض فاسد کالتماثل التي تصنع لتعبد من دون الله: اما قسم دوم از مجسمه ها که مذاهب اربعه در آن نظر دارند حرمتش به لحاظ انگیزه فاسد است، مانند مجسمه ای که برای پرستش غیر خدا ساخته شود» (جزیری، ۱۴۱۷ق، ۴۴).

با دقت در فتوهای یادشده معلوم می شود که نگاه مطلق گرایانه زُهری (م ۱۲۴ق) و تفصیلی ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) معاصر زُهری، روشن می سازد که در یک عصر دو نگاه متفاوتی در خصوص ساخت مجسمه وجود داشت. مالکیها نیز ساخت مجسمه را به طور مطلق حرام نمی دانند؛ از جمله: ابن عابدین (م ۱۱۹۸ق) که ساخت مجسمه جاندار را تنها به علت حرمت تشابه به خالق و جزیری (م ۱۳۶۰ق) نیز تنها به علت پرستش غیر خدا حرام می دانند. البته باید توجه داشت که این دو علت، هیچ خصوصیتی در مجسمه و یا نقاشی ندارد، بلکه هر شیئی که این دو ویژگی در آن وجود داشته باشد، حرام است. فقهای شیعه نیز ه یک از این دو علت را علت تامه حرمت ساخت مجسمه می دانند.

نووی می گوید: «قال بعض السلف: انما ینهی عما کان له ظل...» (نووی، بی تا، ۸۲/۱۴). ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) ضمن بیان قول نووی، با استشهاد به قول ابن عون، آن را به قاسم بن محمد بن عبدالرحمن بن ابی بکر - خلیفه اول - (م ۱۰۶ق) نسبت می دهد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۲ق، ۳۲۶/۱۰). سالم بن عبدالله بن عمر بن خطاب - خلیفه دوم - (م ۱۰۶ق) با استناد به روایت پدرش از رسول الله ﷺ حکم به حرمت مجسمه داد (ابن حنبل، بی تا، ۱۴۵/۲).

۲. دلیل حرمت مجسمه در نگاه عالمان اهل سنت

عالمان اهل سنت نیز در کتب روایی و فتوای خود برای حکم مجسمه همانند فقیهان شیعه به دو دلیل روایات و اجماع تمسک کرده‌اند.

۲-۱. روایات دلیل حرمت مجسمه

برخی از عالمان اهل سنت در عصرهای مختلف، دلیل حرمت مجسمه را روایات می‌دانند؛ از جمله:

قاسم بن محمد بن عبدالرحمن بن ابی‌بکر (م ۱۰۶ ق) با استناد به روایات بر حرمت مجسمه فتوا می‌دهد. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) ضمن بیان قول نووی، با استشهاد به قول ابن‌عون، آن را به قاسم بن محمد بن عبدالرحمن بن ابی‌بکر-خلیفه اول- (م ۱۰۶ ق) نسبت می‌دهد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۲ ق، ۳۲۶/۱۰).

بنابر قول مالک بن انس (م ۱۷۹ ق) حکم مجسمه منشأ روایی از رسول الله ﷺ دارد: «ان الملائکه لاتدخل بیتاً فیه تماثیل او تصاویر» (مالک ابن انس، ۱۴۲۵ ق، ۹۶۵/۲).

۲-۲. اجماع دلیل حرمت مجسمه

برخی از عالمان اهل سنت در قرون مختلف برای اثبات حرمت ساخت مجسمه ادعای اجماع کردند؛ از جمله:

نووی (م ۶۷۶ ق) از عالمان شافعی و نخستین مدعی اجماع می‌گوید: «و اجمعوا علی منع ما کان له ظل و وجوب تغیره» (نووی، بی‌تا، ۸۲/۱۴). ابن‌عابدین (م ۱۲۵۲ ق) از کلام نووی همین فهم و برداشت را دارد. وی ضمن اینکه خود قائل به حرمت ساخت مجسمه است، معتقد است کلام نووی (م ۶۷۶ ق) در شرح مسلم، ظهور در اجماع بر حرمت ساخت مجسمه حیوان به‌طور مطلق دارد. (همان‌جا). وی به روایت «فان الملائکه لاتدخل بیتاً فیه صور» و «لاتدخل الملائکه فیه کلب و لا تماثیل» استناد می‌کند (همان، ۳۳۷/۱۶).

مقدسی (م ۶۸۲ ق) که از عالمان حنبلی است می‌گوید: «بحرم تصویر الحيوان عاقل او غیره اذا کان کامل الاعضاء اذا کان یدوم اجماعاً...: تصویر حیوان عاقل و غیر عاقل هنگامی که نشان‌دهنده اندام کامل باشد اجماعاً حرام است» (مقدسی، بی‌تا، ۳۳۸/۲). همان‌گونه که

خواهد آمد، بسیاری از علمای اهل سنت که قائل به حرمت ساخت مجسمه هستند اجماع را به عنوان دلیل استناد می‌کنند.

دردیر، (م ۱۲۰۱ ق) از عالمان مالکی وی نیز در عصر خود مدعی اجماع بر حرمت ساخت مجسمه است و می‌گوید: «بحرم تصاویر الحيوان اجماعاً ان كانت كاملة لها ظل ما يطول استمراره... ساخت مجسمه حیوان هنگامی که دارای سایه و دوام باشد، اجماعاً حرام است» (دردیر، ۱۴۱۰ ق، ۵۰۱/۲).

نتیجه

با نگاه دقیق و عمیق به کتابهای فقهی فقها شیعه صورت پذیرفت، می‌توان گفت: آن دسته از فقیهان شیعه اعم از متقدمین، متأخرین که قائل به حرمت ساخت مجسمه جاندار هستند، با استناد و استشهاد به اجماع و روایات، مناط حرمت را همانندی به خدا در خلق و به‌سان آفریده‌های الهی آفریدن، همانندی به خالق و رویارویی با خدا، شگفت‌آور بودن مجسمه، همانندی به بت‌پرستان و مشرکان، تعظیم، تکریم، پاسداشت و گرمی‌داشت بیان کردند. از این رو برخی از فقیهان معاصر شیعه، احتمال دوباره به دام شیطان شرک گرفتار شدن، شائبه و شبهه رواج و رونق دوباره فرهنگ بت‌پرستی و در نتیجه، تقویت شرک و باطل را هم‌چنان دور از انتظار نمی‌دانند. لذا ایشان بر این اساس، علت محدثه را علت مبقیه دانسته و همانند متأخرین و متقدمین، قائل به حرمت ساخت مجسمه حیوان جاندار شدند و حتی برخی از فقها متقدم و متأخر شیعه، حرمت ساخت را به‌طور مطلق دانسته و به مجسمه غیر حیوان و تصویر نیز گسترش دادند و زمان و مکان در دیدگاه آنان تأثیر نداشته و نقش‌آفرین نبوده است. بنابراین نمی‌توان گفت دیدگاه فقهای متقدم یکسان بوده و با دیدگاه متأخرین که نظر یکسانی داشتند، متفاوت بوده است. مثلاً در قرن سوم و چهارم به دلیل نزدیکی به عصر بت‌پرستی، فقیهان شیعه آن قرن‌ها، قائل به حرمت ساخت، خرید و فروش و نگهداری بودند و در قرن پنجم، قائل به جواز ساخت، خرید و فروش و در قرن بعد قائل به جواز ساخت، خرید، فروش و نگهداری شده‌اند. از این رو در میان فقیهان شیعه همه زمانها، از عصر مفید و طوسی تا کنون، قائلین به حرمت ساخت مجسمه حیوان جاندار و حتی مطلق مجسمه و تصویر وجود دارند، ضمن اینکه اکثریت را قائلین به حرمت ساخت مجسمه حیوان تشکیل

می دهند و البته هیچ یک از فقیهان اعم از متقدمین، متأخرین و معاصرین شیعه در حرمت پرستش مجسمه و یا هر چیز دیگری در هر شکل و قالبی که باشد، تردیدی ندارند. عالمان اهل سنت نیز تصویرگری حیوان اعم از مجسمه و یا نقاشی را حرام دانسته اند و علت آن را حتی دوری از مشابهت با بت پرستی و پرهیز و اجتناب از تکریم و تقدیس دانسته اند و در این خصوص به اجماع و روایات استناد کردند. ولی ساخت مجسمه و یا نقاشی ناقص مثلاً حیوان بدون سر و موجودات غیر جاندار مانند درخت را جایز دانسته اند. با توجه به بیان ملاک و مناط حرمت ساخت مجسمه و نقاشی می توان گفت: برخی از فقیهان شیعه و اهل سنت، مادامی که این ملاکها وجود داشته باشد حرام می دانند ولی نفس ساخت مجسمه را حرام نمی دانند. بنابراین نمی توان گفت: دیدگاه عالمان اهل سنت متقدم، یکسان بوده ولی متأخرین آنها بیشتر نظر یکسانی داشتند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن براج، عبدالعزيز بن نحير، *المهذب*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بی جا، دار احیاء للکتاب، ۱۴۰۲ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن عابدین، محمدا مین بن عمر، *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۳ق.
- اصفهانی، سید ابوالحسن، *وسيلة النجاة*، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۷ق.
- اعرافی، علیرضا، *مجسمه و نقاشی*، قم، مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۳۹۰ش.
- انصاری، مرتضی بن محمدا مین، *فرائد الأصول*، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۸ق.
- همو، *کتاب المكاسب*، قم، مؤسسه دارالکتاب، بی تا.
- ایروانی، میرزا علی، *حاشیة المكاسب*، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۱ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ق.
- بیهقی کیدری، محمد بن حسین، *إصباح الشيعة بمصباح الشريعة*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۴ش.
- پاکباز، رویین، *دايرة المعارف هنر*، تهران مؤسسه فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸ش.
- تبریزی، جواد، *ارشاد الطالب الی التعليق علی المكاسب*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۴ش.
- جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذاهب الأربعة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- حائری، مرتضی، *ابتغاء الفضيلة فی شرح الوسيلة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۶ش.
- حسینی عاملی، سید محمدجواد، *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- حقی بروسوی، اسماعیل، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- حلی، حسن بن یوسف، *تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۲ق.
- همو، *نهایة الإحکام فی معرفة الأحکام*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.

- خمينى، سيد روح الله، *المكاسب المحرمة*، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام، ۱۳۷۴ ش.
- همو، *تحرير الوسيلة*، قم، دفتر انتشارات اسلامى، بى تا.
- خوانسارى، سيد احمد، *جامع المدارك فى شرح المختصر النافع*، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۵۵ ش.
- خويى، سيد ابوالقاسم، *مصباح الفقاهة*، نجف، مطبعة حيدرية، ۱۳۷۲ ش.
- دردير، احمد بن محمد، *الشرح الصغير على اقرب المسالك*، امارات، وزارة الشؤون الإسلامية، ۱۴۱۰ ق.
- دورانت، ويل، *تاريخ تمدن*، ترجمه سهيل آذرى، تهران، اقبال، ۱۳۶۳ ش.
- سبحانى، جعفر، *المواهب فى تحرير أحكام المكاسب*، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۱۰ ق.
- سبزوارى، سيد عبدالاعلى، *مهذب الأحكام*، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۷ ق.
- سبزوارى، محمدباقر بن محمد مؤمن، *كفاية الأحكام*، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۲۳ ق.
- سراج جوزجانى، منهاج الدين، *طبقات ناصرى (تاريخ ايران و اسلام)*، تهران، دنياى كتاب، ۱۳۶۳ ش.
- سارل ديلمى، حمزة بن عبدالعزيز، *المراسم العلوية*، قم، منشورات الحرمين، ۱۴۰۴ ق.
- شهيد ثانى، زين الدين بن على، *الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية*، قم، كتابفروشى داورى، ۱۴۱۰ ق.
- همو، *حاشية شرائع الإسلام*، قم، بوستان كتاب، ۱۴۲۲ ق.
- همو، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۶ ق.
- طباطبايى يزدى، سيد محمد كاظم، *حاشية المكاسب*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۳ ق.
- طباطبايى، سيد على بن محمد على، *رياض المسائل فى بيان الأحكام بالدلائل*، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۲ ق.
- طبرسى، فضل بن حسن، *مجمع البيان فى تفسير القرآن*، بيروت، دار مكتبة الحياة، بى تا.
- طوسى، محمد بن حسن، *التبيان فى تفسير القرآن*، قم، مكتب الاعلام الإسلامى، ۱۴۰۹ ق.
- همو، *النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى*، بيروت، دار الكتاب العربى، ۱۴۰۰ ق.
- فاضل هندى، محمد بن حسن، *كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۵ ق.
- فخر المحققين، محمد بن حسن، *إيضاح الفوائد فى شرح اشكالات القواعد*، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۳۸۷ ق.
- فخر رازى، محمد بن عمر، *تفسير كبير*، ترجمه على اصغر حلبى، تهران، اساطير، ۱۳۷۱ ش.

- قرطبي، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ١٣٦٤ ش.
- كاساني، ابوبكر بن مسعود، *بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع*، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٦ ق.
- مالك بن انس، *موطأ الإمام مالك*، ابوظبي، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية و الإنسانية، ١٤٢٥ ق.
- مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي، *بحار الأنوار*، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق.
- محقق كركي، علي بن حسين، *جامع المقاصد في شرح القواعد*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤١٤ ق.
- مغنیه، محمدجواد، *فلسفات إسلامية*، بيروت، دار و مكتبة الهلال؛ دارالجواد، ١٩٩٣ م.
- مفيد، محمد بن محمد، *المقنعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٧٦ ش.
- مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٣ ق.
- مقدسي، عبدالرحمن بن محمد، *الشرح الكبير*، بيروت، دارالفكر، بی تا.
- منتظري، حسينعلي، *دراسات في المكاسب المحرمة*، قم، نگين، ١٤١٧ ق.
- ميرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، *غنائم الأيام في مسائل الحلال و الحرام*، قم، دفتر تبليغات اسلامي حوزة علميه قم، ١٤١٧ ق.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*، بيروت، دارإحياء التراث العربي، بی تا.
- نراقي، احمد بن محمدمهدي، *مستند الشيعة في أحكام الشريعة*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤١٥ ق.
- نووي، يحيى بن شرف، *المجموع شرح المذهب*، بيروت، دارالفكر، بی تا.
- هاشمي شاهرودي، سيد محمود، *موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب اهل البيت عليه السلام*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليه السلام، ١٤٢٣ ق.